

عنوان

بررسی موضوع تلقیح مصنوعی در مبانی فقهی و حقوقی شیعه

بسم الله الرحمن الرحيم

چکیده

لقاح مصنوعی، یکی از موضوع‌هایی است که امروزه مورد توجه و ابتلای بسیاری از خانواده‌ها و افراد است و سؤال‌های مختلفی را برانگیخته است. این موضوع، به‌خصوص برای کسانی که به دلیل بیماری یکی از زوجین، یا هر دو که قادر نیستند به‌صورت طبیعی بچه‌دار شوند، بیشتر مطرح است. شیوع معضل ناباروری در میان بسیاری از خانواده‌ها، توجه آن‌ها را به تلقیح مصنوعی و بارداری از این راه، معطوف کرده؛ به‌طوری‌که با گسترش روزافزون روش‌های تلقیح مصنوعی، همه‌روزه بر شمار سؤال‌های مختلف فقهی و حقوقی پیرامون آن افزوده می‌شود. با توجه به نوپیدا بودن این موضوع، سابقه بحث فقهی و حقوقی پیرامون آن نیز به بیش از چند دهه نمی‌رسد، اما در همین فاصله اندک، نوشتارها و پژوهش‌های فقهی و حقوقی بسیاری پدید آمده که هریک با رویکردی خاص و متفاوت، به این موضوع نگریسته است. یکی از روش‌های نوین تولید مثل، تلقیح مصنوعی می‌باشد که در آن توسط روش‌های کمکی تولید مثل در علم پزشکی زمینه باروری تخمک زن را با استفاده از اسپرم مرد فراهم نموده که در نتیجه امتزاج اسپرم و تخمک، یک جنین تشکیل می‌شود و در این روش باردار شدن زن به وسیله آلات پزشکی و بدون انجام عمل مقاربت و نزدیکی جنسی صورت می‌گیرد.

واژگان کلیدی: تلقیح مصنوعی، فقهی، حقوقی

امید به بقا و ادامه نسل برای انسان‌ها فطری است و در حقیقت یک نوع کمال محسوب می‌شود. امروزه پیشرفت‌های علمی سبب شده است که بسته شدن نطفه انسان و دیگر حیوان‌ها، از غیرراه شناخته شده (آمیزش) امکان پذیر گردد. تلقیح مصنوعی یعنی لقاح خارج از رحم یا تولید انسان بیرون از رحم، بدون آمیزش مشروع یا نامشروع و همچنین تولید درون رحمی انسان، از طریق کاشتن یا تلقیح، از مسائل نو خاسته‌ای است که به اقتضای پیشرفت زمان و دگرگونی‌های علمی مطرح شده است. خانواده یکی از نهادهای مقدس و ارزشمند اجتماع است که رفع مشکلات و ناهمواری‌های آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. این ناهمواری‌ها و اختلال‌ها به ویژه اگر در توالد و تناسل باشد از اهمیت بسیاری برخوردار است و چه بسا سبب از هم پاشیدن کانون خانواده می‌شود. یکی از راهکارهایی که می‌تواند مشکلات مذکور را حل نماید، تلقیح مصنوعی است که عبارت است از بارور کردن انسان با وسایل مصنوعی که آخرین راه برای مبارزه با نازایی است. چرا که بسیاری از عوامل نازایی زوجین در همان مراحل اولیه به وسیله دارو، جراحی و حتی روان درمانی قابل درمان است. تلقیح مصنوعی در کنار این که دستاورد جدید پزشکی است مسائل فقهی خاص خود را نیز به دنبال دارد. فقه امامیه با برخورداری از اصل اجتهاد توانایی رویارویی با مسائل نوپیدا و ارائه بهترین راه حل‌ها را دارا است. تلقیح مصنوعی نیز یکی از مسائل نوپیدایی است که پیشرفت دانش پزشکی آن را به عرصه فقه و حقوق کشانده و از آنجا که قوانین و مقررات حقوقی ما ریشه در احکام مذهبی دارد. هیچ حقوقدان و اندیشمندی در دانش حقوق نمی‌تواند، بدون بهره‌مندی از این منبع عظیم در جهت قانونی کردن چنین مسائل جدیدی گام بردارد بلکه نخست باید فقیهان جواز شرعی آن را تأیید و حکم وضعی آن را روشن کنند، سپس به صورت ماده یا مواد قانونی درآید.

۲. تلقیح مصنوعی

کاشت نطفه در رحم از غیر طریق آمیزش را تلقیح مصنوعی گویند. تلقیح مصنوعی در فقه از نظر حکم تکلیفی به معنی جواز یا عدم جواز و ممنوعیت آن و از نظر حکم وضعی نسبت به طفلی که از این روش به وجود می آید و این که آیا در نسب، ملحق به پدر و مادر طبیعی خود است یا نه بحث می شود. در قانون مدنی این مساله فقط از نظر حکم وضعی مورد مطالعه قرار گرفته است. تلقیح مصنوعی را پزشکان با نگاه حرفه ای تعریف کرده اند، در حالی که فقیهان و حقوقدانان به تبع یا مستقلاً تعریف دیگری از آن ارائه داده اند.^۱

۲_۱ تلقیح از نظر لغت

تلقیح برگرفته از واژه لقاح (لقاح در لغت عرب) به معنی، قبول منی حیوان نر توسط حیوان ماده و به عبارت دیگر، آبستن شدن و باردار شدن است و در لسان العرب و نیز در النهایه به معنی منی حیوان نر معنی شده است و برخی دیگر آن را به فرآیندی در تولید مثل جنسی که طی آن سلول های جنسی نر و ماده با هم ترکیب می شوند و سلول تخم به وجود می آید، معنی نموده است و در معانی زیر به کار رفته است:

۱. وارد کردن مایه درخت خرما نر به درخت خرما ماده برای بارور شدن.

۲. وارد کردن مقدار کمی واکسن در بدن برای ایجاد ایمنی.

۳. مایه زدن و واکسن زدن.

۴. انتقال نطفه حیوان نر به ماده و به طور کلی بارور کردن و بارورسازی.

باید دانست هرگاه این واژه بدون هیچ قیدی به کار رود، بر آبستن کردن دلالت می کند.

تلقیح از باب تفعیل و ثلاثی مجرد آن نقح است. تلقیح در دیدگاه اهل لغت از لقح به معنای آبستن کردن و لقح به معنای آبستن شدن جنس مؤنث معنا شده است. در یک منبع لغوی چنین آمده است: لقحت الناقة أو المرأة أي قبلت اللقاح أو حملت.

^۱ آلوسی بغدادی، محمود (۱۴۲۰ق)، روح المعانی، بیروت: دار احیاء التراث.

مقصود از حفظ فرج در تمام آیات قرآن حفظ آن از زناست جز این آیه که مقصود از آن حفظ فرج از نگاه دیگران است. برخی از مفسران شیعه نیز بر این عقیده اند و می نویسند به قرینه صدر آیه که می فرماید: «یغضوا من أبصارهم معلوم می شود. مراد از حفظ فروج ستر و پوشش آن ها از دید ناظران است نه حفظ آن از زنا و لواط. در کتب اهل سنت نیز این تفسیر به چشم می خورد به طوری که از ابی العالیه نقل شده است. هر چیزی که در قرآن راجع به حفظ فروج آمده است منظور حفظ آن از زناست مگر آیه ای که در سوره نور آمده که منظور آن حفظ از نگاه دیگران است». اما مفسرین دیگر این مطلب را قبول ندارند و می گویند مراد از حفظ فرج حفظ آن از محرمات است و روایت ابی العالیه ضعیف است.^{۲۱}

ب- روایات وارده از معصومین هلا الله

مخالفان تلقیح هترولوگ در توجیه عدم جواز و حرمت آن به برخی از روایات وارده تمسک می جویند که مهم ترین آن ها دو روایت ذیل است:

«علی بن سالم از امام صادق روایت می کند، شدیدترین عذاب در روز قیامته عذاب مردی است که نطفه خود را در رحم زنی نامحرم بریزد». از ظاهر حدیث بر می آید که قراردادن نطفه در رحمی که بر مرد حرام است گناه کبیره محسوب می شود و از این که در روایت به نطفه تعبیر شده معلوم می شود که موضوع حرمت بسته شدن نطفه با تخمک زنی است که بر مرد حرام است (مؤمن ۱۴۱۵ق: ۸۱ الحسینی، ۱۴۲۰ق: ۱۱۱). امام صادق از پیامبر نقل می کند در میان کارهایی که بنی آدم انجام می دهد کاری بدتر و گران تر بر خداوند عزوجل از کشتن پیامبر یا امام، خراب کردن کعبه که خداوند آن را برای بندگان قبله قرار داده است و ریختن منی توسط مرد در رحم زنی به طور حرام نیست. این حدیث نیز همانند روایت قبلی حکایت از آن دارد که قرار دادن منی در رحم زن از راه حرام حرمتی مستقل و جدای از حرام بودن آمیزش با او است. ضمن این که حدیث به دلیل سیاقش دارای عموم است و تمام مواردی را که مباح نشده باشد در برمی گیرد. در نتیجه هر نوع افراغ منی در رحم زن اجنبیه گناه کبیره و حرام است.^{۲۲} به این احادیث ایراداتی گرفته شده است که به بررسی آن ها می پردازیم: ۱. هر دو روایت از لحاظ سند اشکال دارند مثلاً در روایت اول علی بن سالم فردی مجهول است و بنابراین روایت ضعیف می باشد. پاسخ این اشکال را برخی از محققان ذکر نموده اند که جهت اختصار بیان نمی شود. قرار دادن و ریختن منی در رحم نامحرم ارتباطی با موضوع بحث ندارد، چه آنکه غلبه خارجی اقتضا دارد قرار دادن

^{۲۱} حسینی، شهاب الدین (۱۴۲۰ق)، التلقیح الصناعی بین العلم والشریعه، بیروت دار الإسلامیه.

^{۲۲} رضانیا، معلم محمدرضا (۱۳۸۰)، «وضعیت حقوقی کودک ناشی از انتقال جنین روش های نوین تولید مثل انسانی، تهران: سمت.

نطقه به آنچه متعارف است، منصرف گردد؛ یعنی ریختن نطقه از طریق مباشرت و مقاربت.^{۲۳} در پاسخ می توان گفت اولاً غلبه خارجی به تنهایی موجب انصراف نمی شود، بلکه مقاربت یکی از مصادیق بارز قراردادن نطقه است و هیچ گاه حکم مقصور بر فرد و مصداق شایع خود نیست. ثانیاً، معلق ساختن حرمت بر ریختن نطفه، دلالت می کند که ریخته شدن منی در رحم نامحرم به خودی خود حرام و مبنغوض شارع است.

ج) احتیاط

از آنجا که فروج مردان و زنان منشأ تکون انسان است و بی مبالاتی در حفظ آنها به اختلاط تسببها منجر می گردد فقهای امامیه با آنکه عمدتاً هنگام شک در تکلیف نظرشان بر اجرای اصل برائت و اباحه می باشد در حفظ «فروج» از این قاعده عدول و از لزوم احتیاط و دوری کردن از موارد مشکوک، الحرمة آن هم به دلیل وجود روایاتی که از ائمه معصومین در این زمینه بر جای مانده است، حمایت می کنند.

از جمله این روایات صحیحه شعیب حداد به نقل از امام صادق است که ایشان فرموده اند: «هو الفرج و أمر الفرج شدید و منه یكون الولد و نحن نحتاط» (همان: ۲۵۹) و فرمایش دیگر حضرت به نقل از این سیاه: «ان النکاح أحرى و أحرى أن یحتاط فیه و هو فرج و منه یكون الولد» بر اساس این گروه از روایات، فقها بیان می دارند که مقتضای روایات رعایت احتیاط در مورد مبدأ تکون فرزند، یعنی فرج است.^{۲۴}

۲_۷ نتیجه گیری

تلقیح مصنوعی در اصطلاح عبارت از این است که زن را با وسایل مصنوعی و بدون اینکه نزدیکی صورت بگیرد، آبستن کنند. تلقیح مصنوعی سه صورت دارد: الف- تلقیح با نطفه شوهر: فقهای شیعه و غالب فقهای اهل سنت این نوع تلقیح را با رعایت شرایطی مشروع می دانند. ب- تلقیح با نطفه غیر شوهر: غالب فقهای امامیه و اهل سنت این صورت را حرام می دانند. اما در صورت تولد چنین فرزندی در مورد نسبش میان فقها و حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. ج- انتقال جنین از رحمی به رحم دیگر: این صورت خود دارای سه صورت است: الف- صورتی که در آن نطفه مرد در رحم همسر دوم قرار داده می

^{۲۳} فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۷) جامع المائل، قم: مطبوعاتی امیر

^{۲۴} حرم پناهی، محسن (۱۳۷۶)، تلقیح مصنوعی مجله فقه اهل بیت (فارسی)، ش. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت القران

شود. اکثریت فقه‌های شیعه و سنی این صورت را جایز می‌دانند. ب- صورتی که در آن نطفه مرد در رحم زن بیگانه قرار داده می‌شود: جواز این صورت در میان فقه‌های امامیه اختلافی است؛ در مقابل فقه‌های عامه همگی قایل به حرمت این قسم هستند. ج- صورتی که در آن تخمک زن بیگانه به همسر تزریق می‌شود و آن گاه شوهرش از راه شرعی با او آمیزش کند. کسانی که صورت دوم را جایز می‌دانستند، این صورت را نیز جایز می‌دانند. و کسانی که صورت دوم را جایز نمی‌دانستند، این صورت را نیز جایز نمی‌دانند. بارورسازی یا تلقیح مصنوعی در انسان بر اثر پیشرفت بشر در دانش پزشکی از مرحله امکان به واقعیت پیوسته و با تزریق نطفه مرد به رحم زن و یا ترکیب نطفه مرد و زن در خارج پس از انتقال به رحم، عینیت خارجی پیدا کرده است. منشأ تکون انسان یعنی نطفه از دو عنصر؛ اسپرم "sperme" (جزئی از منی مرد) و اوول "ovule" (جزئی از منی زن) تشکیل می‌شود. از آنجا که عناصر زنده در منی یعنی همان اسپرم برای مدتی محدود استعداد دوام دارد می‌توان از راه آمیزش و عزل یا ابزار پزشکی آن را به دست آورد؛ چنان‌که اوول را نیز به وسیله همین دستگاه‌ها می‌توان استحصال کرد و با ترکیب آن دو در خارج و یا تزریق نطفه مرد به رحم زن زمینه تلقیح را فراهم آورد.

منابع

۱. آلوسی بغدادی، محمود (۱۴۲۰ق)، روح المعانی، بیروت: دار احیاء التراث.
۲. این منظور، جمال الدین محمد (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ج ۳، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع دار صادر.
۳. اسماعیل محمد بکر (۱۴۱۹ق)، بین السائل و الفقیه، بیروت: دار المنار
۴. امامی، اسدالله (بی تا)، نسب در حقوق ایران و فرانسه.
۵. امامی، حسن (۱۳۴۰) حقوق مدنی تهران: کتابفروشی اسلامیة
۶. تبریزی، جواد (۱۴۲۳ق)، صراط النجاء، قم: دار الصدیقه الشهیده
۷. حرم پناه، محسن (۱۳۷۶)، تلقیح مصنوعی مجله فقه اهل بیت (فارسی)، ش. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت القران
۸. حسینی، شهاب الدین (۱۴۲۰ق)، التلقیح الصناعی بین العلم والشریعة، بیروت دار الإسلامیه.
۹. خرازی، محسن (۱۴۲۰ق)، التلقیح، مجله فقه اهل البيت ، ش ۱۶، قم، خمینی، روح الله (۱۴۲۱ق)، تحریر الوسیلة، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۱۰. خوبی، ابو القاسم (۱۴۱۲ق)، توضیح المسائل، قم: مدینه العلم.
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹) حقوق مدنی خانواده تهران شرکت سهامی انتشار، بهمن برنا گلپایگانی، محمد رضا موسوی (بی تا)، مجمع المسائل، قم: دار القرآن الکریم.
۱۲. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۷) جامع المائل، قم: مطبوعاتی امیر
۱۳. رازی، محمد الفخر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر، بیروت: دار الاحیاء التراث.
۱۴. رضانی، معلم محمدرضا (۱۳۸۰)، «وضعیت حقوقی کودک ناشی از انتقال جنین
۱۵. روش های نوین تولید مثل انسانی، تهران: سمت.

۱۶. آخوندی، محمد مهدی، آشنایی با لواح طبیعی، لقاح خارج رحمی و ضرورت استفاده از آن، اهدای گامت و جنین در درمان ناباروری، سمت تهران ۱۳۸۴ ه.ش

۱۷. آخوندی، محمد مهدی، صادقی، محمد رضا، ضرورت به کارگیری تکنیک های باروری کمکی در تولید مثل انسان، روش های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (مجموعه مقالات) سمت تهران، چ دوم ۱۳۸۲ ه.ش

۱۸. آل بحر العلوم، سید محمد، بلغ الفقهیه، ج ۴. مکتبه الصادق، تهران، ۱۴۰۳ ه.ق

۱۹. ابن براج حلی، عبد العزیز، مهذب الاحکام، مؤسسه نشر اسلامی، قم ۱۴۰۶ ه.ق

۲۰. ابن قدامه، ابو محمد بن احمد المغنی و الشرح الکبیر دار، الفكر، بیروت، ۱۴۱۰ ه.ق